

عیسی چگونه قیامت و حیات است؟

جردن استون

پاسخ معلم حکیم در کتاب جامعه از مکانی سخن می‌گوید که عادل شمردگی را پرورش می‌دهد؛ مکانی که شاید شما را غافلگیر کند. او می‌فرماید:

رفتن به خانه ماتم از رفتن به خانه ضیافت بهتر است، زیرا که این آخرت همه مردمان است، و زندگان این را در دل خود می‌نهند. (جامعه ۷: ۲)

او بار دیگر یادآوری می‌کند: «دل حکیمان در خانه ماتم است، و دل احمقان در خانه شادمانی» (جامعه ۷: ۴).

شاید معنای سخن او را درک کرده باشید. شرکت در مراسم سوگواری یا بازدید از یک قبرستان می‌تواند به جان آدمی سود بخشد، زیرا حقایق ابدی با تمام وزنشان بر ما سنگینی می‌کنند.

یوحنا باب ۱۱، خواننده را به خانه‌ی ماتم می‌برد. روح خدا ما را به این صحنه رهنمون می‌شود تا درسی درباره‌ی یأس مرگ و شکست آن بیاموزیم. جی. سی. رایل می‌نویسد: «باب یازدهم یوحنا از برجسته‌ترین فصول عهدجدید است؛ از نظر عظمت و سادگی، و از جهت عمق احساس و وقار، هرگز متنی مانند آن نوشته نشده است.»^۱

موقعیت

متن با این خبر آغاز می‌شود که عیسی می‌شنود دوستش ایلعازر بیمار است: «پس خواهرانش نزد او فرستاده، گفتند، ای آقا اینک، آن که او را دوست می‌داری مریض است» (یوحنا ۱۱: ۳). مریم و مرتا قطعاً درباره‌ی قدرت عیسی بر بیماری‌ها شنیده بودند و شاید حتی آن را به چشم دیده بودند. آن‌ها ایمان داشتند که اگر عیسی تعجیل کند، می‌تواند ایلعازر را نجات دهد.

اما پاسخ عیسی آن چیزی نبود که کسی انتظارش را داشت.

یوحنا گزارش می‌دهد: «و عیسی مرتا و خواهرش و ایلعازر را محبت می‌نمود. پس چون شنید که بیمار است، در جایی که بود، دو روز توقف نمود» (یوحنا ۱۱: ۶۵). کلمه‌ی کوچک «پس» در اینجا به معنای «بنابراین» است. در نتیجه، متن به شکلی دقیق‌تر می‌گوید: «عیسی مرتا، مریم و ایلعازر را محبت می‌نمود، بنابراین... دو روز بیشتر درنگ کرد.» شگفت آنکه، محبتش او را به تأمل واداشت. علاقه‌ی عمیقش به شاگردانش، سبب تأخیر او شد. او درنگ کرد تا رنج و بیماری، دوره‌ی کامل خود را طی کند.

ما همواره در مکتب مسیح در حال آموختن این درس بزرگ هستیم. چند بار از خداوند چیزی خواسته‌اید و او فوراً پاسخ نداده

است؟ یا به موقع پاسخ نداده است؟ بدانید که این عدم اقدام، شاید چیزی نباشد جز کار محبت او؛ یعنی نقشه و قصد او برای انجام کاری بی نهایت فراتر از هر آنچه می طلبید یا تصور می کنید.

بیانیه

چهار روز پس از مرگ ایلعازر، سرانجام عیسی به آن خانه‌ی ماتم زده می‌رسد. مرتا شتابان به سوی عیسی می‌رود و در برخورد با او می‌گوید: «ای آقا اگر در اینجا می‌بودی، برادر من نمی‌مرد. ولیکن الان نیز می‌دانم که هر چه از خدا طلب کنی، خدا آن را به تو خواهد داد» (یوحنا ۱۱: ۲۱-۲۲). بذر ایمان به روشنی در مرتا دیده می‌شود. عیسی به او اطمینان می‌دهد که «برادرت خواهد برخاست.»

مرتا پاسخ می‌دهد: «می‌دانم که در قیامت روز بازپسین خواهد برخاست» (یوحنا ۱۱: ۲۴). در دوران عیسی، جدالی بزرگ بر سر قیامت میان فریسیان و صدوقیان در جریان بود. پرسش این بود که آیا در پایان تاریخ، قیامتی وجود خواهد داشت یا خیر. مرتا در موضوع قیامت، از نظر الهیاتی با فریسیان هم عقیده بود. او ایمان داشت که ایلعازر در آن زمان — یعنی در پایان عصر — برخاسته خواهد. اما عیسی درباره‌ی اکنون سخن می‌گوید. از این رو، می‌فرماید: «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر که زنده بُود و به من ایمان آورد تا به ابد نخواهد مرد. آیا این را باور می‌کنی؟» (یوحنا ۱۱: ۲۶-۲۵).

این پنجمین گفته از سری گفته‌های «من هستم» در انجیل یوحنا است — و گفته‌ای است حیرت‌انگیز. عیسی می‌گوید: «من فقط قیامت را تعلیم نمی‌دهم؛ من خود قیامت هستم. من فقط قدرت حیات بخش خدا را موعظه نمی‌کنم؛ من خود قدرت حیات بخش خدا هستم. صرفاً به این حقیقت ایمان نداشته باش؛ به من ایمان داشته باش.» ایمان حقیقی، صرفاً اعتماد به اطلاعات و حقایق درباره‌ی عیسی نیست؛ بلکه باور به خود اوست — آن کسی که تمام حقیقت در وی ساکن است.

یقین

هنگامی که عیسی «به آواز بلند ندا کرد، ای ایلعازر، بیرون بیا»، آن مردی که مرده بود و زنده شد، به مثالی زنده از نجات تبدیل گشت. او یادمانی زنده از عیسی است که خود قیامت و حیات است. پس از آنکه ایلعازر برمی‌خیزد، عیسی فرمان می‌دهد: «او را باز کنید، و بگذارید برود» (یوحنا ۱۱: ۴۳-۴۴).

چه تصویر شکوهمندی از انجیل! کتاب مقدس می‌گوید ما در گناهان خود مرده‌ایم. ژنده‌های بی‌ایمانی اسیرمان کرده و جامه‌های گناه بر تنمان نشسته است. همانند ایلعازر، ما از خود هیچ کاری نمی‌توانیم کرد تا زنده شویم. اما خدا گناهکاران مرده را، آنگاه که به عیسی ایمان می‌آورند، زنده می‌سازد. نجات‌دهنده به جای گناهکاران مرده، قیام کرد، و این چنین کلیدهای مرگ

و دوزخ را در دست دارد. او ما را فرامی‌خواند: «بیرون بیا. از گناه خود برگرد و به من اعتماد کن. من تو را از بندهای گناه خواهم گشود و آزادت خواهم ساخت.»

باشد که ما نیز این نشانه را ببینیم، این بیانیه را بشنویم، و همچون مرتا به پنجمین گفته‌ی «من هستم» چنین پاسخ دهیم: «بلی ای آقا، من ایمان دارم که تویی مسیح پسر خدا که در جهان آینده است» (یوحنا ۱۱: ۲۷).

این مقاله بخشی از مجموعه «علم تفسیر کتاب مقدس» است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

دکتر جردن استون، کشیش ارشد کلیسای مشایخی ردیمر، در مک کینی، تگزاس، و استاد الهیات شبانی در دانشگاه Reformed Theological Seminary در دالاس است. او نویسنده‌ی چندین کتاب، از جمله یک خادم مقدس: زندگی و میراث روحانی رابرت مری مک‌چین است.